



# پژوهشی دشوار در موضوعی پرابهام

بحثی درباره کیفیت منابع و مآخذ مربوط به سازمان مجاهدین خلق و آخرین اثر منتشره در این موضوع

● سیدمسعود رضوی

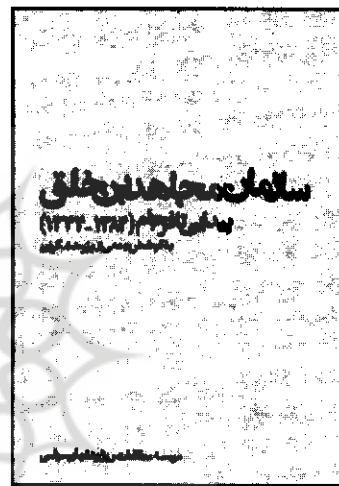
افراد، جریان‌ات و مسائل و تحولات معاصر ایران، حتی در برهه انقلاب اسلامی، اظهار نظرهای تبلیغی و رسمی، به صورتی تحکمی و تجویزی عمل نموده و میل به آزادی و انتخاب در پژوهش و استفهام منطقی را از مخاطب دریغ کرده است و یا شادی بیان‌های ناموجه و فاقد ادله و ریشه این مسأله، هر چه باشد، باید به حال آن فکری کرد و از گسست معرفتی پیش آمده که در نوع خود بی‌سابقه است، جلوگیری نمود. نه اینکه نسل تازه حق انتخاب ندارد و باید مطیع آداب و افکار پدران خویش باشد، بلکه باید زمینه برای تعمیق ادراکش از تاریخ معاصر، چنان فراهم آید که تجارب آنان را دوباره نیازماید و از شکست‌ها و شکستن‌ها اجتناب کند تا هزینه جاری و آتی برای او، ما و وطن کهنسال و پرحادثه ما کاهش یابد. چنین باد.

## مقدمه

مطلب ذیل، فشرده‌ای کوتاه در باب مآخذشناسی موضوعی مهم در تاریخ معاصر ایران است. موضوعی که در مجموع، از دشواری‌ها و شگفتی‌ها و نیز انحرافات و تجارب و عبرت‌های تاریخ معاصر حکایت می‌کند. در این نوشته، ابتدا، مقدمه‌ای بیان می‌شود که هدف از آن، معرفی کتاب مفصل جدیدی است که مرکز پژوهش‌های سیاسی با عنوان سازمان مجاهدین، از پیدایی تا فرجام، ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴ منتشر کرده است. علت این‌که چنین مقدمه‌ای بر آن معرفی لازم آمده است، شناخت تلاش‌های پیشینیان و ارائه حداقل منابع جهت محققان و پژوهندگان جوان معاصر است تا گرد فراموشی از زوایای تاریخ معاصر وطن بزایند و راه لغزنده مبارزه را برای درس‌آموزی معاصران هموار سازند.

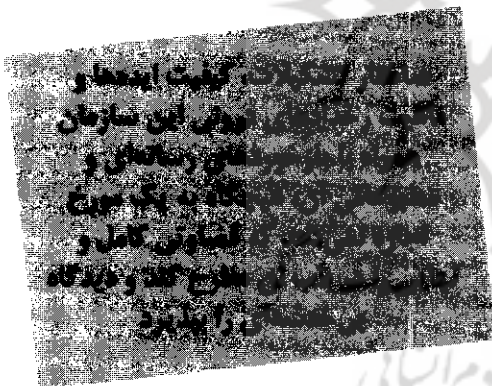
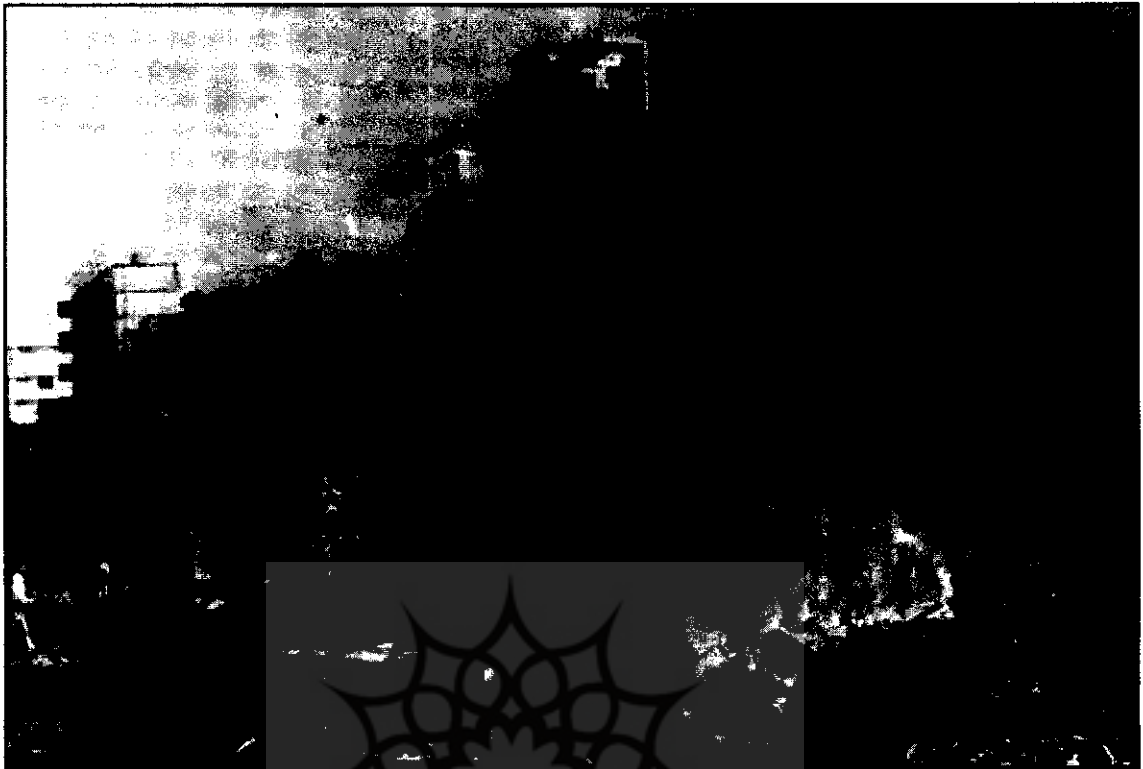
## اشباح و سایه‌ها

سازمان مجاهدین خلق [منافقین] همیشه موضوع جذابی برای تحقیق و بررسی بوده است نه فقط جذابیت، بلکه اهمیت معرفتی بسیاری نیز برای ترک سوانح و پیچیدگی‌های تاریخ معاصر ایران داشته و دارد. به طور طبیعی، ساختار تشکیلات، کیفیت ایده‌ها و ماهیت رخداد‌های درونی این سازمان همراه با بازخوردهای رسانه‌ای و مطبوعاتی آن، هیچگاه به یک مورخ اجازه نمی‌دهد که قضاوتی کامل و نهایی را در باب آن مطرح کند و دیدگاه بی‌خدش‌های را بپذیرد و به خوانندگان خود پیشنهاد نماید.



- سازمان مجاهدین خلق، از پیدایی تا فرجام
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- گروه نویسندگان
- ۱۳۸۵، ۳ جلد

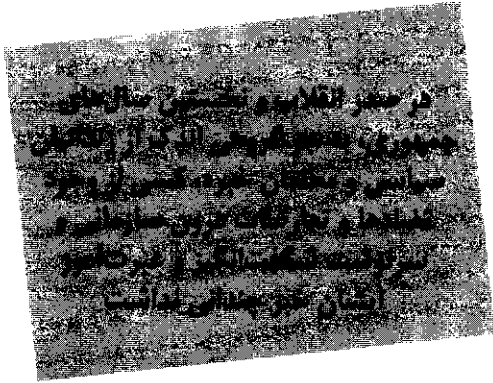
اگر زمانی بخواهیم داستان غریب و سرگذشت شگفت‌انگیز جوانان نخبه و زیده وطن خویش را برای فرزندانمان بازگو نماییم، از کجا باید آغاز کنیم؟ چگونه می‌توان به این نسل، از روش و منش و خوی آرمان و ایمان و عقاید و آموزه‌ها و دل‌سوختگی‌های ایشان گفت و خشونت، بوی باروت، جزمیت ایدئولوژیکی، چهره عبوس، خانه‌های قلندرانه، درویشانه تیمی، امساک‌ها، ریاضت، مرگ و خودکشی، شکنجه و زندان، غرور و کبر، روابط پیچیده امنیتی و تشکیلاتی و ... را توجیه و توصیف کرد؟ نگارنده شخصاً در این زمینه درمانده و بی‌پیشنهاد هستم. گاهی که می‌کوشم تبیینی از آن عصر به جوانان و نوجوانان و فرزندانم ارائه دهم، با چشم‌های سرد و عدم ارتباطی غریب روبه‌رو می‌شوم. لاجرم به ادبیات پناه می‌برم و شاید ادبیات مفیدتر و دقیق‌تر است. این‌گونه، تلاش می‌کنم آتش‌بسی میان انگاره‌های نامتقارن فراهم و تعادلی ناپایدار ایجاد کنم. شاید یک دلیل موجه برای عدم ارتباط و عدم توجیه رخدادها، فقر منابع و متون عقل‌پسند و موزون و مستند بوده باشد. خاصه که در باب



زیرا، مخفی و منزوی بودن افراد و حصر ایشان در خانه‌های اعتزالی و شرایط خوف و خفا، همراه با تقلیل آموزش‌ها و کنترل روابط، رفتارها و مناسبات و بالاخره سیطره نظام امنیت و تشکیلات آهنین، وضعی ویژه و بسیار دشوار را رویاروی مورخ یا تحلیلگر سیاسی قرار می‌داده است. به نحوی که حتی اثبوه اسناد و بازجویی‌های بازمانده از ساواک یا اعترافات و نوشته‌های مفصل اعضا در زندان و دادگاه‌های پس از انقلاب یا تکنگرایی‌ها و خاطرات طولانی نیز، آن رضایت خاطر نهایی را ایجاد نمی‌تواند کرد. مگر آنکه زمانی طولانی یا برخی از ایشان زیسته شود، شرایط خفقان و ظرایف دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تجربه شده باشد و سرانجام متون و منابع فکری مناسبی کار و به اصطلاح ایدئولوژی آنان مطالعه و هضم گردد تا شرایط نزدیکی و قرابت با چنین جریان‌های حاصل آید، البته نظر ما بیشتر ناظر به جریان اولیه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است و جریانات پسین و کنونی به‌رغم حفظ برخی ویژگی‌های پیشین، تفاوت‌های رفتاری و نهایتاً ماهوی بسیاری را از سر گذرانده و اساساً ذیل نام تشکل سیاسی یا سازمان چریکی قابل طرح نیستند، بلکه فرقه‌ای با مشی تروریستی‌اند و باز هم البته خوانندگان بصیر نباید هیچ یک از این نام‌ها را به مثابه حد نظری یا تعریف دقیق پذیرا شوند، بلکه اینها امکانات زبانی ما برای تحلیل یک موضوع لغزنده، مبهم و دشوار معاصر است.

در صدر انقلاب و نخستین سال‌های جمهوری، به جز گروهی اندک از زندانیان سیاسی و مطلعان خیره، کسی از وجود تضادها و تعارضات درون‌سازمانی و سرنوشت‌شگفت‌انگیز و عبرت‌آموز ایشان خبر چندانی نداشت. جوانان آن دوران عجالتاً و اجمالاً می‌دانستند که سازمان توسط

محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان (و نیز عبدالرضانیک‌بین رودسری معروف به عبدی) در سال ۱۳۳۴ بنیانگذاری شده است. سپس سیری رزم‌آورانه و خونین در مبارزه با ساواک و رژیم شاه را طی کرده و در سال ۱۳۵۳ الی ۱۳۵۴ گروهی منحرف و مارکسیست با رخنه در ارکان رهبری سازمان، آن را به نفع خود مصادره و ایده‌های ناجوانمردانه خود را با قتل مخالفین و ارباب اعضا پیش برده‌اند. در این راه، قتل مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه لیاق، نماد مظلومیت جریان مذهبی محسوب می‌شد و تا پیروزی انقلاب نیز اکثر اعضا گرفتار بند اوین و سلول قصر و دیوار قزل حصار و سایر زندان‌های رژیم بوده‌اند. این ماجرای عجیب که حتی در همین روایت تحریف شده و بدوی نیز عجیب است و پس از انقلاب تا خرداد ۱۳۶۰ و از آن پس تا پایان جنگ ایران و عراق و نهایتاً از آن زمان تا حمله آمریکا به عراق و بالاخره تاکنون، همچون یک تراژدی بسیار دردناک و انده‌مار طی شده و تعداد



پرشماری از جوانان و مردان و زنان وطن ما را در کام کشیده و درون و برون مرزها به کینه و آتش و بمب و حصر تشکیلاتی و شست و شوی مغزی و حتی شکنجه و ارباب اتلاف کرده است.

چنین جریانی را نمی‌توان و نباید با ادعای «انحراف ۴۰ ساله» یا «گوهرهای تاریکی» و امثالهم تذلیل یا تقدیس کرد و گذشت، بلکه باید زمانی بس طولانی به توصیف واقعیت ایشان بگنجد و بی هیچ عداوت و شایبه‌ای ریشه‌یابی شود که علت ظهور چنین فرقه‌ای با این همه بدعت‌های ناهنجار، چه بوده و علل اساسی آن همه تلاش‌ها و دشواری‌های مردانه و مبارزات سرسختانه چه بوده است؟ در اینجاست که به رغم همه ابهامات، اسناد، کتب و خاطره‌ها به کار می‌آید و مورخ که الزماً باید سال‌های مزبور را در دوره حیات مجاهدین، ولو به اختصار و ابهام، درک کرده باشد، می‌تواند با احتیاطی زایدالوصف به بازسازی فضای آن زمان و زمینه‌سازی برای شناخت این پدیده عجیب و عبرت‌آموز اقدام کند.

نخستین منابعی که در اختیار مورخان و علاقه‌مندان تاریخ معاصر، درباره مجاهدین در اختیار قرار می‌گرفت، مقاله‌ها و خطابه‌های ایشان و وابستگان‌شان بود که عمدتاً در نشریات و روزنامه‌های صدر انقلاب منتشر شد. در زمان انقلاب جزوه‌ها، زندگینامه‌ها، دفاعیات و تصاویر بنیانگذاران و اعضا منتشر شد و صورتی اساطیری و تحریف شده در آنها به مردم عرضه گردید. همین تصویر، موجب جذب جوانان خام فکر به تشکیلات پسین سازمان در اواخر دهه ۵۰ تا سال ۶۰ گردید. سپس جزوه موسوم به «اعلامیه تغییر مواضع ایدئولوژیک» از سوی بخش مارکسیستی سازمان (موسوم به پیکار) و سپس بیانیه تحلیلی این اعلامیه با عنوان «آموزش و تشریح اطلاعاتیه تعیین مواضع مجاهدین در برابر جریان اپورتونیستی چپ‌نما» در یک و سپس دو جلد مفصل از سوی گروه رجوی منتشر و در سطح وسیعی توزیع گردید. در کنار این آثار، جزوه منتقدانه بنی‌صدر به نام «منافقان از دیدگاه ما» و سپس «مواضع گروه‌ها در زندان» از نویسندگانی ناشناس اما بسیار مطلع، به تدریج پیچیدگی موضوع فوق را به ما گوشزد کرد. در تمام این سال‌ها، زندگینامه‌های اسطوره‌وار، دفاعیات جانانه، بزرگداشت‌های اغراق‌آمیز و ... نیز توسط سازمان منتشر و برگزار می‌شد، اما کمتر خبر از اثری مستند و علمی و عقل‌پسند بود، البته مخالفان نیز که ترجیح می‌دادند از عنوان منافقین برای سازمان استفاده کنند، اثری در خور فکر و تحقیق نداشتند و هدف غایی جملگی، از موافق و مخالف، پیشبرد اهداف کوتاه مدت سیاسی در ابقا یا حذف رقیب بود و بس.

نخستین اثری که با رویکرد استنادی در ایران منتشر شد و البته شائبه تجلی از بنیانگذاران و اعضای اولیه را داشت، از سوی انتشارات و «مرکز خدمات فرهنگی رسا» منتشر گردید. با عنوان «گوهرهایی که در تاریکی درخشیدند» در این اثر که با عباراتی مجلل از مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی در وصف بنیانگذاران آغاز شده بود، برخی اسناد بازجویی‌ها و وصایای مجاهدین، همراه با مختصری از بیوگرافی ایشان درج گردیده بود. پس از آن، آثار مستقیم و منحصر به مجاهدین، ناظر به نقد ایشان بود که دفتر سیاسی و انتشارات سپاه چندین عنوان از آنها را منتشر کرد

و عمدتاً به عملکرد مجاهدین پس از انقلاب و سپس خیانت‌های آنان در زمان جنگ توجه داشت.

در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، به تدریج مراکز، سازمان‌ها و افرادی با رویکرد توجه به اسناد و توصیف دقیق‌تر تاریخ، وارد ماجرا شدند. بحث‌انگیزترین اثر در این زمان که از حیث تفصیلی، منابع و موضوعات تا آن زمان نظیر نداشت، یکی از مجلدات کتاب «نهضت امام خمینی» (ره) اثر سید حمید روحانی بود که یکسره در نقد و افشای انحراف، بدعت و فساد اعضای مجاهدین و اثبات نفاق سیاسی، انحراف فکری و فقدان اعتقاد دینی ایشان نگاشته شده بود. برخی بازجویی‌ها و روابط درونی اعضای سازمان در این اثر منتشر شد که واکنش‌های زیاد و اثرات فراوانی در میان خوانندگان دهه هفتاد بر جای نهاد. اما این تازه آغاز ماجرا بود. از این پس سیل آثار، خاطرات، تکتگاری‌ها و تحلیل‌ها به صورت مقاله و کتاب منتشر شد و زاویه‌های تازه‌ای را به روی موضوع گشود. زاویه‌هایی که بازترین و مهمترین آنها بی‌شک کتاب سه جلدی اخیر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با عنوان «سازمان مجاهدین خلق، از پیدایی تا فرجام - ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴» است و سیر ۴۰ ساله این جریان را به دقتی شایسته‌تر مورد توجه قرار داده و کلویه است

پیش از بررسی این کتاب، منبع‌شناسی مختصری در باب مجاهدین را ارائه می‌دهیم که اجمالاً نزدیک‌ترین و ممکن‌ترین منابع برای علاقه‌مندان خواهد بود. هر چند تعداد کثیری مقاله هم وجود دارد که در نشریات مختلفی همچون «چشم انداز ایران» یا «راه مجاهد»، که نشریه فعلی و قبلی آقای لطف‌الله میثمی است یا مطالب منتشره از سوی مرکز مطالعات روزنامه کیهان یا بسیاری نشریات خارجی و داخلی نباید نادیده گرفته شود، اما این اجمال برای خواننده فارسی قابل دسترس‌تر و مطمئن‌تر خواهد بود.

آثار موجود درباره مجاهدین چند دسته‌اند: خاطره‌ها، تکتگاری‌ها، تحلیل‌ها و کتب اسناد. مورد توجه‌ترین بخش از این آثار، خاطرات‌اند، ابتدا خاطرات برخی از زندانیان نام سازمان منتشر شده، از جمله کتاب قدرت و دیگر هیچ از فاطمه باقرزاده و چند اثر مشابه؛ اما نخستین اثر مهم خاطره‌مانند و مفصل که به شیوایی تحریر شده بود، اثری از محسن نجات‌حسینی با عنوان بر فراز خلیج فارس بود. نجات‌حسینی از اعضای قدیمی سازمان بود که در جریان سفر به فلسطین در کشورهای حاشیه خلیج گیر افتاده و



در جریان هواپیمارمایی، همراه با جمعی از یارانش به عراق و سپس لبنان، فلسطین، سوریه، سپس پاریس و بالاخره به اسکانندیناوی رفته بود. او پس از تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان، از آن کناره گرفته و مشغول فعالیت عادی و علمی شده است. پس از آن، خاطرات لطفالله میثمی با عنوان «نز نهدت آزادی تا مجاهدین» و جلد دوم آن «آنها که رفتند» یکی از مفصل‌ترین آثار در این عرصه است. این اثر که به طور ضمنی حاوی تجلیل و تأیید جریان اولیه مجاهدین و تداوم آن در انگارهای خاص است، البته متضمن نقدهای درونی به رفتارها و برنامه‌ها و عقاید مجاهدین نیز هست، اما در مجموع نیازمند نقدی جداگانه و منصفانه است. میثمی البته ادعای مورخ بودن ندارد و به همین دلیل از سوژه فاصله نگرفته تا آن را گزارش و تحلیل کند. او همچنان بخشی از سوژه و در این کتاب خود سوژه است، لذا نقدی جامع و دقیق بر آن لازم می‌آید. البته نقد مفصلی توسط آقای مسعود رضائی در سایت آقای سلیمی نمین بر این کتاب وجود دارد و چند معرفی تمجیدآمیز در روزنامه‌ها و چند تقریظ تحسین‌آمیز در جوف کتاب منتشر شده، ولی هیچ یک وافی به مقصود نیست و ان‌شاءالله در آینده باید این کار با حوصله انجام شود.

اثر دیگر که با همین رویکرد، یعنی رویکرد نجات‌حسینی و میثمی نوشته شده اما از احتیاط بیشتری برخوردار است، کتاب خاطرات دکتر محمد مهدی جعفری است. وی در گفت و گوهای با عنوان «سازمان مجاهدین خلق از درون» به جزئیاتی عمدتاً فکری و فرهنگی، در حول و حوش دهه چهل و پنجاه اشاره می‌کند که بسیار مفید و قابل اعتناست. اما بیشتر به کار تحلیل زمینه‌های فکری پیدایش و علل تحولات ایدئولوژیکی در سال‌های بعد می‌خورد.

نوع دیگر خاطراتی که منتشر شده خاطرات اعضای متأخر سازمان است که تحولاتی آتی در دوره مابعد بنیانگذاران تا تغییر ایدئولوژی و سپس شرایط زندان را روشن می‌کند. مهمترین این آثار که اتفاقاً مثل رمان‌های پلیسی جذاب و خواندنی هم هستند، خاطرات احمد احمد و عزت شاهی (مطهری) است.

این دو کتاب واجد نکات و ریزه‌کاری‌های بسیاری هستند و اتفاقاً جانب انصاف را نیز نگه داشته‌اند. شاید بر برخی رفتارهای خود سکوت کرده یا به اغراق از نقش خود گفته باشند اما نکته متناقض یا کذب در آنها نیست و هر دو اثر، پروسه تحولات درونی سازمان از سال ۱۳۵۲ به بعد را به دقت و تا حدی که خود ناظر آن بوده‌اند، از درون نشان داده‌اند. اتفاقاً برای درک بینش منصف و جالب احمد احمد بد نیست متن سخنرانی وی در مراسم رونمایی کتاب «مجاهدین از پیدایی تا فرجام» در مرکز پژوهش‌های سیاسی (مندرچ در ویژه‌نامه کتاب شرق - ص ۳ - مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۸۵) مورد مطالعه قرار گیرد.

البته کتب خاطره به همین آثار محدود نیست. برخی از هواداران و اعضای رده پایین سازمان و نیز افراد مؤثر و مطلعی همچون سعید شاهسوندی و رضا رئیس طوسی و محمد محمدی گرگانی به صورت پراکنده آثاری منتشر کرده بودند که این وجه در آنها هست و ضمناً می‌تواند از اسناد منتشره محسوب شود. خصوصاً جزوه «روند جدایی» که

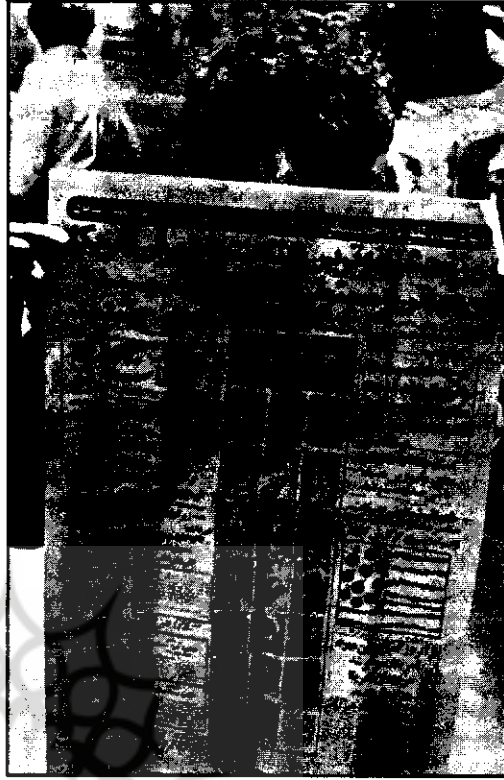
سه نفر از اعضای مطلع و منتقد در زمانی حساس منتشر کردند. آخرین نوع خاطره نگاشته‌ها، آثاری هستند که اخیراً منتشر شده‌اند و ماهیتی خاص دارند. ماهیتی که به دلیلی نگارش در زندان، ممکن است حکم بازجویی در حصر داشته باشد، اما به هیچ وجه از اعتبارشان نمی‌کاهد و می‌تواند محل اعتنا باشد به شرطی که در مقارنه و تطبیق دچار تناقض نباشد. از این نوع آثار کتاب «احمد رضا کریمی» و تکنگاری بسیار جالب «حسین احمدی روحانی» که اولی از نظر اعضای قبلی و بعدی منفور و خائن محسوب شده و دومی از قدیمی‌ترین اعضای مسلمان و از مارکسیست‌های بعدی در دوره‌های مختلف تا پس از انقلاب بوده است. این دو اثر، توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.

آثار دیگر، تحلیل‌ها و تکنگاری‌های مورخانه درباره مجاهدین است و قبل از ورود به معرفی برخی از آنها بد نیست اشاره کنیم که خیل آثار و خاطرات رجال سیاسی دهه ۴۰ و ۵۰ از وابستگان به دربار تا ملی‌گرایان و مارکسیست‌ها و اعضای نهضت آزادی و روحانیون مبارز و حتی برخی محافظه‌کاران در مبارزه، واجد نکته‌های زیادی درباره مجاهدین است. مثلاً خاطرات مهندس بازرگان یا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله منتظری، مهندس سبحانی، مهندس طاهری، جواد منصوری، خاطرات پراکنده حجت‌الاسلام سید محمود دعایی، هادی غفاری و ... هر یک نکاتی در خور تحقیق و متضمن موضوع مذکور را دارا هستند که نباید به سادگی و بی‌اعتنا از کنار آن گذشت.

اثر تحلیلی مهم در خارج کشور که در داخل نیز در دسترس است، «اسلام رادیکال، نمونه مجاهدین» اثر یرواند آبراهامیان است که تحقیقی



به تحقیق می‌توان اثر سه جلدی و مفصل  
منتشره از سوی مؤسسه مطالعات و  
پژوهش‌های سیاسی با عنوان «سازمان  
مجاهدین خلق - پیدایی تا فرجام -  
۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴» را بهترین و مهم‌ترین  
منبع تا این زمان، برای ترک ظهور و  
تداوم این سازمان قلمداد کرد.



می‌آید» و سخت به نقد و افشای ماهیت سازمان پرداخت. سازمان او را طبق معمول منکر شد و بی‌اهمیت جلوه داد ولی او رابط همه پناهندگان و اعضای اروپا بود، لذا در این زمینه کارشان آسان نبود، خاصه که راستگو در اروپا به اسناد و افراد زیادی دسترسی یافته و براساس آنها کتاب مجاهدین خلق در آینه تاریخ را نوشت. این اثر مفصل، گرچه با سکت‌های اسنادی و برخی قضاوت‌های قابل نقد همراه است، اما جامعیت و اعتباری دارد که عمدتاً مربوط به فعالیت‌های دوره اخیر سازمان است و آنچه که در سال‌های اخیر در اروپا و عراق انجام داده است.

البته کسان دیگری نظیر پرویز یعقوبی هم برخی نکات را درباره سازمان در خارج کشور منتشر کرده‌اند، از جمله رساله‌ای به نام «اپورتونیست‌های راست منحن» و یا گروهی از اعضای قدیمی و منشعب با عنوان «راه موسی» (یعنی خیابانی) کتاب «اپورتونیسم تا مغز استخوان» را در افشای گروه رجوی چاپ کرده‌اند. پوران بازرگان هم همراه تراب حق‌شناس، پس از انقلاب ایدئولوژیک و وصال و ازدواج مریم قجر عضدانلو (ابریشمچی) با مسعود رجوی، اعلامیه فصل و رساله مانند به نام «از بن بست رجوی تا فداکاری ابریشمچی» منتشر کردند. دکتر پیمان نیز اثری به نام «بحران در خط مشی» درباره همین انقلاب به اصطلاح ایدئولوژیک در سال ۱۳۶۴ نوشت که به صورت زیراکس منتشر شد و در دسترس است، البته گفت و گوها و آثار دیگر مطلعان، از جمله محمد محمدی گرگانی، حجت‌الاسلام معادخواه، دکتر کریم رستگار، محمد مهرآیین و مطلعان منصف دیگر نیز پراکنده و منتشر است که منابع موثقی برای این تحقیق است. با این مقدمات، در ادامه، بحثی درباب اهمیت کتاب «سازمان مجاهدین خلق»، از پیدایی تا فرجام» از آثار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی خواهیم داشت. این اثر جامعیت و اهمیتی خاص دارد و دوره تازه‌ای را در مطالعات مربوط به این موضوع و موضوعات کلی تری نظیر جنگ مسلحانه در ایران، تحولات ایدئولوژیکی و تاریخ بدایع و بدعت‌های اعتقادی معاصر تاریخ سیاسی ایران از دهه چهل به بعد، پیدایش صف‌بندی‌های سیاسی در دهه ۵۰ و ۶۰ ریشه‌های آنها و ... را آشکار کرده است.

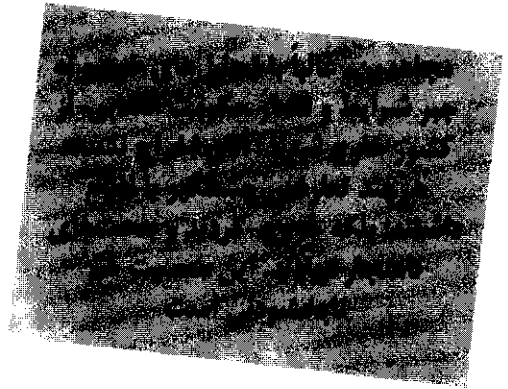
#### تراکم و طفیان

به تحقیق می‌توان اثر سه جلدی و مفصل منتشره از سوی مؤسسه

از سنخ جامعه‌شناسی تاریخی درباره مجاهدین خلق و ماهیت این گروه در تاریخ عصر ماست. قبل از وی، مرحوم سرهنگ نجاتی در جوف اثر معروف خود به نام «تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران» به صورت مختصر و خام‌تر همین کار را کرده بود، اما کار آبراهامیان دقیق‌تر است. کتابی نیز درباره روند تغییر ایدئولوژی سازمان که در بردارنده سیر تکوینی آن نیز هست توسط آقای مظفر مهرآبادی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده که نکته‌های تازه‌ای ندارد، اما از حیث انسجام درباره موضوع خود جالب و خواندنی است.

مورخ معاصر آقای رسول جعفریان در ضمن کتاب مفصل خود به نام «تشکل‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی در ایران» فصل مفصل، همراه با برخی ضمایم مهم درباره سازمان و ماهیت و سرنوشت آن نگاشته که رساله‌ای مستقل هم تواند بود سواى هر نقد و ایرادی به این نوشته، نویسنده اطلاعاتی داشته و در جایگاهی است که نوشته‌هایش را نمی‌توان نخواند و ندید و حتماً باید مورد بررسی قرار گیرد.

یک اثر جالب دیگر که در خارج کشور چاپ شده و ابتدا از طریق اینترنت در اختیار ما قرار گرفته و اخیراً مرکز اسناد انقلاب اسلامی متن مفصل و کامل آن را چاپ کرده است، کتاب علی‌اکبر راستگو در تاریخ و سرگذشت مجاهدین است. راستگو در سال ۱۳۵۸ به شاخه دانشجویی مجاهدین در آلمان پیوست و از سال ۶۰ مسئول حقوقی پناهندگان و فراریان سازمان بود و در سال ۱۳۶۵ به عراق منتقل شد و در آنجا از نزدیک با وضع واقعی سازمان و منش و تفکر رهبران آن آشنا شد. وی در بازگشت به آلمان کتابی نوشت به نام «صدای تیک و تیک بمب



مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با عنوان «سازمان مجاهدین خلق - پیدایی تا فرجام - ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴» را بهترین و مهم‌ترین منبع تا این زمان، برای درک ظهور و تداوم این سازمان قلمداد کرد. اثری با ارزش‌های آکادمیک، منابع قابل توجه و استنادات به‌جا و به‌قاعده. این کتاب که بیش از دو هزار صفحه را در بر گرفته است، ضمن دارا بودن مقدمه‌های تاریخی، بدین ترتیب در سه جلد تدوین شده است: جلد اول مشتمل بر مقدمه مذکور و تاریخچه سازمان از سال ۴۴ تا ۵۴، جلد دوم از سال ۵۴ تا ۶۴ و جلد سوم از ۶۴ تا ۸۴. این پژوهش که به صورت گروهی انجام گرفته است، جوانب متعددی دارد که تنها با خواندن کتاب می‌توان دقیقاً از آن آگاهی یافت. مهم‌نما ما در اینجا نیم‌نگاهی بدان می‌افکنیم و سپس به طرح چند مسأله متفاوت می‌پردازیم. نویسندگان کوشیده‌اند وضعیت درون سازمان را به لحاظ تشکیلاتی و شیوه ارتباط اعضا و حدود اختیارات هر یک و کیفیت آموزش‌های متداوله و تعامل‌های ایدئولوژیک، تا حد ممکن روشن سازند. آنان روابط و مناسبات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سازمان با دیگر گروه‌ها و جریان‌های تأثیرپذیری از هریک را در سرفصل‌های مجزا و جداگانه ارائه و بررسی کرده‌اند این سرفصل‌ها، مقدمه‌های برای درک پیدایش و گسترش اولیه سازمان تواند بود، اما پاسخ‌گوی ضربه وسیع در سال ۱۳۵۰ نیست. برای درک ضربه سال ۵۰ می‌باید علل و عوامل و نحوه ضربه امنیتی ساواک و شیوه و امکانات این نهاد پلیسی - امنیتی مورد توجه قرار داده شود. با این مفروضات، دستگیری‌های گسترده اعضای سازمان در سال ۱۳۵۰، تأثیرات آن بر موجودیت سازمان، تغییر و تحولات داخل تشکیلات، ایجاد تشکیلاتی استبدادی و نسبتاً پیچیده درون زندان، روابط تشکل زنان با بازماندگان سازمان، تسویه‌ها و تصفیه‌های خون‌بار و بایکوت‌های استبدادی و جزمیت غریب و شگفت‌انگیز ایشان را به صورتی دقیق‌تر از سایر منابع و کتبی - کم و بیش معتبر - وجود داشته، از آن پس، کمتر کتاب و شرح احوالی از این جریان، به صورت منسجم در دست ماست. خاصه در سال‌های پس از انقلاب که وسعت رخدادهای مجال پژوهش‌ها را کاهش داده و کثرت موضوعات، موجب از یاد رفتن بسیاری از مهمات و امهات امور شده بود. پژوهشگران مؤلف کتاب، مباحث و پرسش‌هایی را در زمینه وضعیت سازمان و کادرهای اصلی آن، پس از تغییر ایدئولوژی تا پیروزی انقلاب

اسلامی در سال ۱۳۵۷، مقدمه‌های واجب برای عملکرد و تشکیلات این گروه در نخستین سال‌های انقلاب قلمداد کرده‌اند. عملکردی که در دو سال اول جمهوری خط مشی بهانه‌جویی و تعارض‌طلبانه‌ای داشت، اما علی‌الظاهر دست به خصومت مسلحانه و براندازی نمی‌زد، اما در سال ۱۳۶۰، علناً دست به اسلحه برد و با بمب و آتش و خشونت گسترده، حذف فیزیکی مخالفان را در هر سطحی آغاز کرد. سال ۶۰ سال سرنوشت و سنه تعیین قدر واقعی نیروهای متفاوت سیاسی بود. در این سال، مجاهدین با عملکردی نابخردانه و تحلیلی ذهنی، «وضع» یا به عبارت بهتر «تقدیر» سیاسی خود و نظام را رقم زدند. اما فصول جالب‌تر کتاب، از همین دوره، یعنی دوران مابعد خرداد ۱۳۶۰ آغاز می‌شود. جایی که داستان گروهی سیاسی که تا این زمان به اغماض بدین عنوان نامیده شده و مقبول افتاده بود، یک‌سره به تروریسم، دشمنی کور، فرقه‌گرایی و حتی سرکوب و شکنجه و ارباب در درون و بیرون مبدل می‌شود. البته استحاله‌ای در کار نیست؛ همه آن رخدادهایی که در بیش از دو دهه خروج و افراد و تشکیلات اصلی سازمان از ایران و سکونت در کشورهای غربی و عراق تا این زمان بر سازمان رفته است، بخشی مهم از این ماجراست. رویدادها و مقاطعی که تقدیر و فرجام سیاسی و ایدئولوژیک غم‌انگیزی برای آنان رقم زد و به تدریج همه دوستان و حامیان و ضد انقلابیون و سلطنت‌طلبان را نیز از حاشیه ایشان راند و حتی بدل به نفرینگر و دشمن آنان کرد.

در اثر سه جلدی حاضر، انبوهی از اطلاعات و آمار و اسناد و شواهد گفته و ناگفته در این باره وجود دارد که مسأله مهم این است که مجاهدین، غالباً تحلیل‌های خود و نه جبر شرایط و فشار حکومت انقلابی، از کشور خارج شدند. آنان اخراج نشدند هر چند تعارضی چشمگیر با نظام داشتند؛ بلکه خروج کردند و بدعت‌های ناهنجار نهادند. این معصیت هم نابخشودنی است، هم اندوهبار و غم‌انگیز. وهمی در فضای تیره این بیچارگان هست که حس همدلی را بدل به کینه می‌کند اما با این حال، آنان فرزندان این آب و خاک بوده‌اند و لازم است به درستی و براساس مدارک و منابع صحیح، مورد تحقیق قرار گیرند. کتاب مورد بحث ما، ما کوششی برای همین درک منصفانه است و یا شاید مقدمه‌ای بر این کوشش.

در پایان کتاب، مرور سرنوشت سازمان یا تبیین وضع فرجامین کنونی و شرایط تشکیلاتی و درونی و بیرونی مرتبط با آن، خاتمه می‌یابد و امکان ترسیم چشم‌انداز آینده برای مخاطب فراهم می‌شود. این درک مسلماً لازم و از هر حیث ضروری است، خاصه برای مقامات سیاسی و تصمیم‌گیرندگان امنیتی، زیرا وظیفه آنان قبل از هلاک و استهلاک خصم و حذف مسأله‌ای به نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، نجات اسرای ایشان، جوانان خامدل و کم‌فرهنگ و گرفتار و سوزانده و لغزیده‌ای است که در کابوس خطای خویش، گناه و جاه‌طلبی، کین‌توزی و انحراف رهبران سازمان گرفتار آمده‌اند. ناصرازی آن جوانان و نامردی رهبران سازمان نباید یکسان پنداشته شود و درک این شرایط، البته با خوانش مسیر دشوار لغزش‌های سازمان در مرحله اول و سپس سقوط آن در میانه دهه پنجاه و تباهی سیاسی و معنوی‌اش در سال‌های پس از ۱۳۶۰، دقیق‌تر و بهتر فهمیده می‌شود.